

قرار داده است . لکن عبارت ذیل که کاملاً مؤید این معنی است از اصل کتاب نقل میشود (۱) ( چاپ دمشق جزء چهارم صفحات ۳۳ و ۳۴ ) :

كانت بخارى فى الدولة السامانية مثابة المجدد و كعبة

الملك و مجمع افراد الزمان و مطلع نجوم ادباء الارض  
جلال و عظمت ادبی بخارا در زمان سامانیان و موسم فضلاء الدهر فحدثنى ابو جعفر محمد بن موسى

الموسوى قال اتخذ والدى ابو الحسن دعوة ببخارى فى

ايام الامير السعيد جمع فيها افاضل غربائها كآبى الحسن اللحام و ابى محمد

بن مطران و ابى جعفر بن العباس بن الحسن و ابى محمد بن ابى الثياب

و ابى النصر الهرمى و ابى نصر الظريفى و رجاء بن الوليد الاصبهاني و على بن

هارون الشيباني و ابى اسحق الفارسى و ابى القاسم الدينورى و ابى على الزوزنى

و من ينخرط فى سلكهم (۲) فلما استقر بهم مجلس الانس اقبل بعضهم على بعض

يتجادبون اهداب المذاكره و يتهادون رياحين المحاضرة و يقتفون نوافج

الادب . و يتساقطون عقود الدر . و ينفثون فى عقد (۳) السحر . فقال لى ابى

(۱) یادداشت مترجم : البته براون بانگلیسی ترجمه کرده است ولی در

اینجا عیناً از اصل کتاب نقل گردید .

(۲) من ينخرط فى سلكهم : مقصود کسانی است که بهمان رشته درآمده و در

همان سلك منسلك بوده‌اند و گروه دانشمندان را در اینجا برشته مروارید تشبیه کرده است .

(۳) مسلمین فصاحت و بلاغت را سحر حلال گویند . و دمیدن در گره نیز از

اعمال ساحران بوده است . رجوع شود به تفسیر سوره ۱۱۳ قرآن : قل اعوذ برب

الغلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من شر النفاثات فى العقد و من شر حسد

اذا حسد . سبل Sale گفته است : دمیدن در گره در روزگار ان پیشین معمول و

مرسوم بوده و در فرانسه نیز ( اگر داستانهائی که نقل کرده‌اند راست باشد ) رسم

چنین بوده که چون دیر گاه باد موافق نموزید و کشتیها از حرکت باز می ماند

کشتیها نزد افسونگران نقاط شمالی میرفتند و بآنها منتجی میشدند . افسونگران

نیز برای اینکه باد موافق بوزد ریسمان یا طناب را گره میزدند و این کار بزبان

فرانسه Nouer l'aiguillette خوانده میشد و از آثار همین عمل خرافی است .

( بقیه پاورقی در صفحه ۵۳۶ )

یا ابنی هذا يوم مشهور فاجعله تاريخاً لاجتماع اعلام الفضل و افراد الوقت و اذكره بعدى فى اعياد الدهر و اعيان العمر فما اراك ترى على مر السنين . امثال هؤلاء مجتمعين . فكان الامر على ما قال و لم تكتحل عينى بمثل ذلك المجمع .

از رجال علم و ادب این اشخاص در مدت این چهارده سال رخت از جهان بدر بردند : ابوالحسن اشعری ( تاریخ وفات ۹۳۵ میلادی ) مروج مهم ارتجاع و بازگشت به تسنن است و معتزله یعنی کسانی که حق تعلیم و تربیت بگردن او داشتند در کمال حق و انصاف میتوانند این شعر را در باره او صادق بدانند :

**وفیات سالهای**  
**۹۳۲ تا ۹۴۶**  
**میلادی**

اعلمه الرمايه كل يوم ولما اشد ساعده رمانى

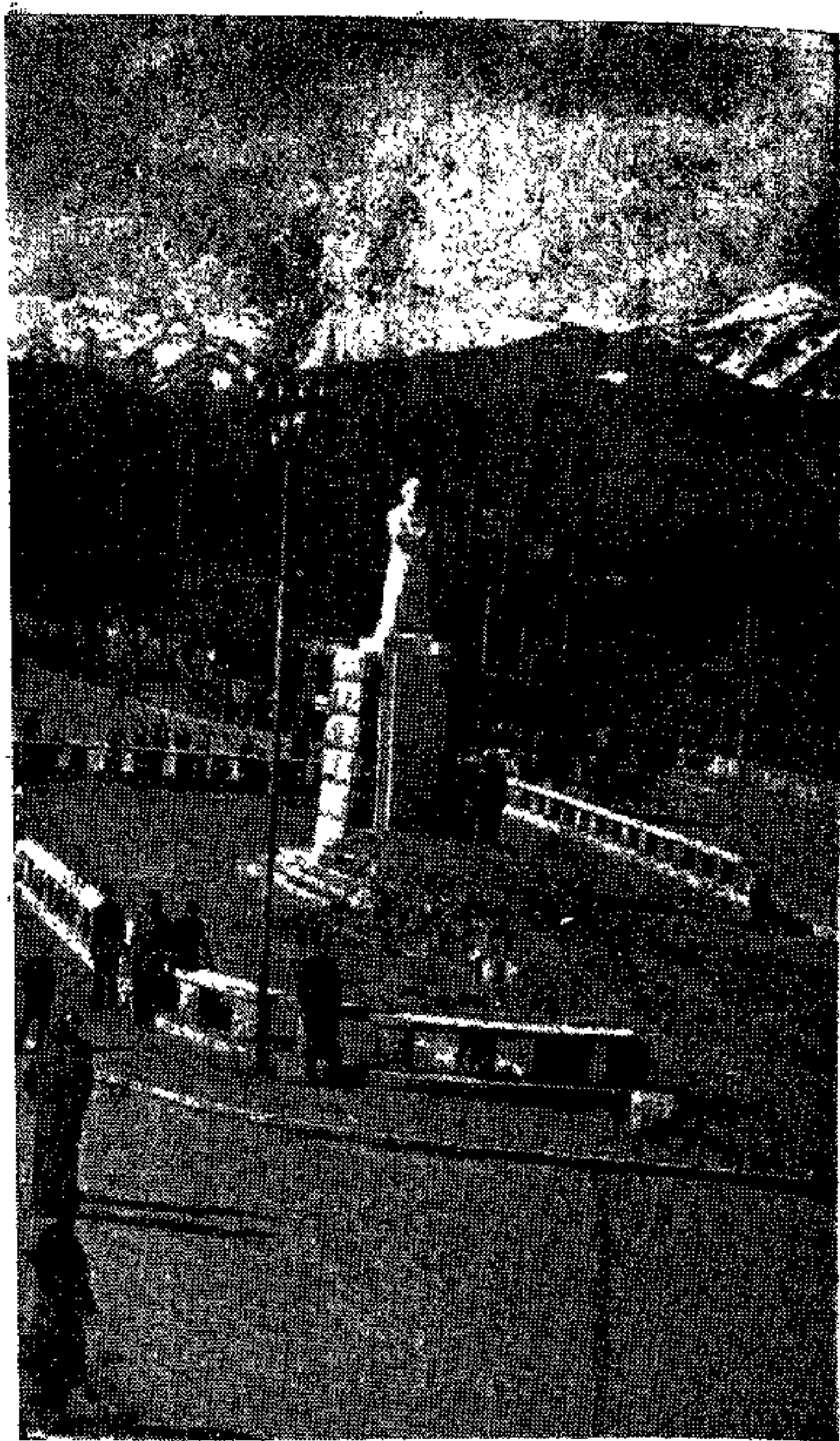
ابن درید دانشمند لغوی (که در سال ۹۳۴ میلادی وفات یافت) مؤلف کتاب لغت عربی است موسوم به جمهره ؛ سعید بن البطریق که پیشتر بنام یونیکوس<sup>(۱)</sup> معروف است . (تاریخ وفات وی ۹۲۹ میلادی است) در اسکندریه سمت خلیفه مسیحیان را داشته و مؤلف تاریخ معروفی است ؛ ابن عبدربه از اهل قرطبه از شعراء و مورخین است (تاریخ وفات وی ۹۴۰ میلادی است) ؛ الکلینی (تاریخ وفات ۹۳۹ میلادی) از علماء شیعه مؤلف کتاب کافی است ؛ از اطباء سنان بن ثابت بن قره (تاریخ وفاتش ۹۴۲ میلادی) و پسرش ابراهیم (تاریخ وفات ۹۴۷ میلادی) و عبیدالله بن جبریل بن بختیشوع (تاریخ وفات ۹۴۱ میلادی) ؛ الماتریدی

(بقیه یاورفی از صفحه ۵۳۵)

**یادداشت مترجم :** جرج سیل George Sale که در اینجا نام وی برده شد یکی از مستشرقین انگلیسی است که در حدود سال ۱۶۹۷ میلادی بجهان آمده و در سال ۱۷۲۶ میلادی از جهان رفته است . این شخص قرآن کریم را بزبان انگلیسی ولی بسبکی بی نهایت آزاد شرح و ترجمه کرده و ترجمه وی در سال ۱۷۳۴ میلادی منتشر گردیده و بعد هم مکرر چاپ شده است .



برج اصلی آرامگاه بوعلی سینا در همدان و ایوان مدخل آن  
مجموع ارتفاع بنا کمی بیشتر از ۲۸ متر است (نقل از هگمتانه تألیف آقای مصطفوی)  
(برابر صفحه ۵۳۶) مربوط به صفحه ۵۳۸



مجسمه ابن سینا در میدان بوعلی (همدان)  
(برابر صفحه ۵۳۷) مربوط به صفحه ۵۴۴ و ۵۴۸

از متألّهین ( تاریخ وفات ۹۴۴ میلادی ) ؛ ابن سراپیون ( تاریخ وفات در حدود سال ۹۴۵ میلادی ) مؤلف شرح بسیار جالب نوجهی است درباره بغداد که ترجمه آن بقلم لی استرنج<sup>(۱)</sup> در مجله انجمن سلطنتی آسیائی<sup>(۲)</sup> سال ۱۸۹۵ میلادی انتشار یافته است ، الصولی مورخ از مجوسان گرگان است که تغییر مذهب داده است ( تاریخ وفاتش ۹۴۶ میلادی است . ) شبلی خراسانی از اقطاب صوفیه ( در سال ۹۴۶ میلادی وفات یافته ) و از مریدان جنید بغدادی و همدرس حسین بن منصور حلاج بوده است . این دوره از جهت تجلیات مذهبی شایان توجه نیست . چنانکه ملاحظه شد قرامطه در نتیجه فضیحت و رسوائی مهدی ساختگی آنها ابن ابی زکریا بطوری که قابل توجه و دقت است خاموشی گزیدند . سردار بزرگ آنها ابوطاهر الجنابی در سال ۹۴۴ میلادی در گذشت و از قدرت خلفای فاطمی در افریقای شمالی سخت جلوگیری شد<sup>(۳)</sup> ؛ چند سال بعد ( ۹۵۰ میلادی ) حجر الاسود را بکه باز آوردند و سر بازار قرمطی بخدمت معزالدوله از امراء آل بویه وارد گردیدند .

اکنون بدوره طولانی خلافت المطیع میرسیم ( ۹۴۶ تا ۹۷۴

میلادی ) در این مدت در اوضاع عمومی سیاسی ایران تغییرات اندکی

روی داد . هنوز شمال و شمال شرقی در دست سامانیان

و ایالات بحر خزر در دست آل زیار و جنوب در دست  
**خلافت المطیع**  
**از ۹۴۶ تا ۹۷۴**  
**میلادی**

آل بویه بود و در بغداد نیز آل بویه عملاً ( نه اسماً )

بعنوان امیرالامراء فرمانروائی داشتند .

Mr. Guy le Strange (۱)

Journal of the Royal Asiatic Society (۲)

(۳) رجوع شود به کتاب دوخویه درباره قرامطه چاپ لیدن صفحات ۱۴۲ و

۱۴۳ سال ۱۸۸۶ میلادی ،

M. J. de Goeje, Mémoire sur les Carmathes, (Leyden, 1886).

در ده سال آخر این دوره المعز ابوتمیم بعد از خلفای فاطمی که خلافت رقیب و مخالف را تأسیس کردند مصر را بتصرف آورد و پایتخت خود را از مهدیه به قاهره منتقل ساخت و از آن تاریخ ببعد تا انقراض آن سلسله در سال ۱۱۷۱ میلادی قاهره مرکز اقتدار و مقر فرمانروائی آنها بود. تقریباً در همان اوقات نزاعی میان ایشان و قرمطیان که سابقاً باهم متحد بودند برخاست. قرمطیان در حدود سال ۹۷۱ میلادی حتی با عباسیان پیمان اتحاد بستند. (۱)

اگر باز بعالم علم و ادب برگردیم این وقایع قابل توجه است: در سال ۹۵۰ میلادی ابونصر فارابی بزرگترین حکیم اسلامی قبل از ابوعلی سینا بدرود حیات گفت و شکفت اینک فارابی ترك نژاد بوده است (۲). تقریباً در همان اوقات الاصطخری **تجلیات ادبی این دوره** جغرافی دان معروف کتاب ابوزید بلخی را که نقد و تهذیب و تجدید نظر کرده بود منتشر ساخت و بزرگ پور شهریار رامهرمز دریا نورد ایرانی کتاب عجیب خود را دربارهٔ عجائب هندوستان از روی خاطرات خود و اطلاعاتی که از جهانگردان دیگر بدست آورده بود بزبان عربی نوشت. مرگ رودکی که عموماً ویرا پدر شعر فارسی میدانند و تولد شاعر ایرانی دیگری بنام کسائی در همین ایام بوده است. تقریباً در سال ۹۵۶ المسعودی مورخ بزرگ دارفانی را وداع گفت. اصل مسعودی عرب و از قراریکه گفته اند متمایل بمعترله

(۱) رجوع شود به دوخویه de Goeje صفحات ۱۷۶ و ۱۸۳ ببعد کتاب وی که قبلاً آنرا ستوده ام.

(۲) رجوع شود به:

Moritz Steinschneider. Al-Farabi des arabischen Philosophen Leben und Schriften

در جلد سیزدهم خاطرات اکادمی سن یطرزبورگ. Mém. de l' Acad. de St. P. و همچنین بکتاب کارادو و Carra de Vaux در بارهٔ ابن سینا صفحات ۹۱ ببعد و غیره.

بوده است. المسعودی آثار فراوان و پر حجمی از خود باقی گذاشته است.

**المسعودی** اصل عربی کتاب التنبیه والاشراف مسعودی در دسترس

خوانندگان است و مروج الذهب که بیشتر معروف است

هم بزبان عربی که اصل کتاب است و هم ترجمه فرانسه آن بقلم باریه

دومینار (۱) و پاوه دو کورتی (۲) موجود است. نر شخی نویسنده تاریخ

بخارا در سال ۹۵۹ میلادی وفات یافت (ترجمه فارسی این کتاب بقلم

القبایوی که در حدود سال ۱۱۲۸ خاتمه یافته برای ما محفوظ مانده است)

کوشیار منجم کیلانی و همچنین عیسی بن علی از اطباء مسیحی در همین اوقات

زندگانی میکرده اند. عیسی بن علی شرح احوال کحالان را تدوین کرد.

در سال ۹۶۱ میلادی ابو منصور عبدالملک الثعالبی مؤلف یتیمه الدهر

که ذکرش گذشت و صاحب بسیاری آثار مهم و جالب توجه دیگر در

نیشابور متولد شد. تقریباً سه سال بعد ابوعلی محمد البلععی وزیر منصور

اول سامانی بفرمان شاه خلاصه‌ای از تاریخ بزرگ

**ترجمه فارسی** ضری را بزبان فارسی تهیه کرد و این ترجمه یکی از

**طبری بقلم بلععی** قدیمترین آثار مهمی است که از نثر فارسی در دست

است. این کتاب را دوبو (۳) و زوتنبرگ (۴) بفرانسه ترجمه نموده و

ترجمه را در پاریس از سال ۱۸۶۷ تا ۱۸۷۴ چاپ کرده اند و نسخه‌های

خطی قدیم و نفیسی که با دقت نوشته شده و در کتابخانه‌های عمومی ما

موجود است حاکی از این معنی است که این کتاب تا چه اندازه مورد

اعزاز و احترام بوده است.

چند سال بعد (۹۶۵ میلادی) المتنبی وفات یافت. هر چند بعضی

از دانشمندان اروپائی نام ویرا بزشتی برده اند لکن کلیه ملل عربی زبان

Barbier de Meynard (۱)

Dubeux (۲) Pavet de Courteille (۳)

Zotenberg (۴)

المتنبی را بزرگترین شاعر تراذ خود میدانند . فن همر (۱)  
المتنبی  
ترجمه اشعار المتنبی را در سال ۱۸۲۳ مسیحی در شهر  
وین منتشر ساخت و در آنجا گفته است که المتنبی بزرگترین شاعر عرب  
بوده است ؛ ژول مل (۲) ( در مجله آسیائی (۳) سال ۱۸۵۹ میلادی -  
دوره پنجم - مجلد ۱۴ - صفحات ۳۶ و ۳۷ ) نظری درباره المتنبی اظهار  
داشته است که بی نهایت عاقلانه و از روی فهم و ادراک است .  
ژول مل گوید :

« تشخیص اینکه هر شاعری در ادبیات ملی خود چه مقام و منزلتی  
را حائز است فقط در صلاحیت خود آن ملت است و اگر شاعری طی قرون  
متمادی مقام خود را حفظ کند همچنانکه المتنبی نیز حفظ کرده است تنها  
وظیفه ما آنست که عقیده قضائی را که بحکم طبیعت صلاحیت این داوری را  
داشته اند بپذیریم و چنین بنظر میرسد که رأی قضاة مزبور درباره المتنبی  
پس از مباحثات ممتد و پر حرارت بر این است که المتنبی با تمام نواقص  
و تلونی که دارد بهترین نماینده ذوق و احساسات عرب مسلمان است  
همچنانکه مؤلفین معلقات وفادارترین نمایندگان احساسات اعراب بادیه  
نشین میباشند . »

چنانکه کازیمیرسکی (۴) اظهار داشته است نفوذ المتنبی و یکی  
دو تن از شعراء دیگر عرب در ادوار اولیه تکوین و تحولات شعر فارسی  
نیز بسیار مؤثر بوده و تنها بهمین دلیل کلیه محققینی که بخواهند  
مبادی شعر فارسی را جداً مورد مطالعه قرار دهند آثار متنبی را باید  
بخوانند ؛ کازیمیرسکی دیوان مشوچهری را ترجمه کرده و اصل و ترجمه  
را ( در پاریس بسال ۱۸۸۶ میلادی ) منتشر نموده و این معنی را

Von Hammer (۱)

Journal Asiatique (۳) Jules Mohl (۲)

Kazimirski (۴)



در ترجمه خود تذکره داده است ( رجوع شود بصفحات ۱۴۳ و ۳۱۶ ترجمه کازیمیرسکی ). تخیلات دور و دراز و صنایع بدیعی که در اشعار المتنبی فراوان است آنچنانکه در نظر هموطنان وی دل انگیز است در نظر بسیاری از خوانندگان اروپائی نیست و چنگی بدل آنها نمیزند . المتنبی گاه عقائدی را بیان میکند که بذوق و سلیقه ما بهیچوجه شاعرانه نیست (۱) . در اشعار دیگر او هم روح بادیه نشینان قدیم جلوه گر است . از جمله شعری است که بگفته ابن خلکان (۲) باعث مرگ وی گردید . المتنبی هنگام بازگشت از ایران مبلغ زیادی پول همراه داشت . این پول را عضدالدوله از امراء آل بویه بوی صلّه داده بود . نزدیک کوفه تازیان از قبیله اسد بوی حمله بردند . نبرد در گرفت همینکه مغلوب شد و آهنگ فرار کرد غلامش بانگ بر آورد : نگذار بگویند در جنگ فرار کردی ! تو کسی هستی که این بیت را ساخته‌ای :

فالخیل واللیل والبیداء تعرفنی والحرب والضرِب والقرطاس والقلم  
آنگاه المتنبی بمیدان نبرد بازگشت و چون فرزندان پاک نهاد صحرا  
مرگ را استقبالی کرد . واقعه ذیل کبر و خود ستائی نژاد عرب را که در سرشت  
المتنبی بود نشان میدهد : روزی عده‌ای از دانشمندان (۳) در حضور  
سیف‌الدوله که از امراء نامدار بود مباحثه میکردند . یکی از نحویون  
معروف باین خالویه نظر خود را درباره نکتته‌ای از لغت عرب شرح میداد .  
المتنبی کلام او را قطع کرد و گفت : « ترا که از ایران و اهل خوزستان  
با زبان عربی چکار ؟ » .

کسی که بذوق اروپائیان نزدیکتر و اشعارش بیش از المتنبی

---

(۱) برای اینکه نمونه بارزی از این معنی بدست آید رجوع شود به دیوان او که باهتمة دیتریسی Dieterici در برلین بسال ۱۸۶۱ میلادی چاپ شده است (صفحه ۸ بیت هفتم) .

(۲) رجوع شود به ترجمه دوسلان de Slane جلد اول صفحات ۱۰۵-۱۰۶ .

(۳) رجوع شود به ابن خلکان ترجمه دوسلان ، جلد اول ، صفحه ۱۰۹ .

مورد ستایش آنهاست شاعر معاصر المثنبی ابوفراس است که بیایه شهرت المثنبی نمیرسد. ابوفراس عموزاده سیف الدوله در جرگه ابوفراس  
الحمدانی امیر وارد بود (ثنی چند از شعراء دیگر نیز در جرگه سیف الدوله بودند و شهرت کمتری دارند از جمله النامی والناشی والزاهی والرفاع والبیغا میباشند.) فن کرمر (۱) ارزش واحترام زیادی برای ابوفراس قائل است. تقریظی که درباره او نوشته باین کلمات پایان میرسد:

« ابوفراس اوضاع پر هیجان عصر خود را مانند پرده نقاشی مجسم میکند. ابوفراس مظهر روح سلحشور و پرتکبر روزگار قدیم است که بار دیگر در اشعار وی تجلی کرده است. احساسات لطیف تری که در اشعارش دیده میشود نتیجه فرهنگ و تمدن ادوار بعد است. در واقع اگر نابغه‌ای بزرگتر از ابوفراس و با روح بلندتری ظهور نکرده بود (۲) تاریخ شعر عرب به ابوفراس پایان مییافت. لکن آن دایه قد برافراشت و در افکار فلسفی و نظری آن عصر که نخستین بار ابوالعتاهیه آورده بود مستقلاً تحولی مهم و نوین بوجود آورد. »

ابوفراس در سال ۹۶۸ میلادی در جنگ کشته شد. سال ۹۶۸ میلادی نیز از آن جهت شایان توجه است که ابوسعید بن ابی‌الخیر از شعراء و عرفاء بزرگ ایران در آنسال تولد یافت. مجموعه رباعیات ابوسعید معروف است. تقریباً در همان اوقات ابوالفرج اصفهانی بدرود زندگانی گفت. ابوالفرج مؤلف کتاب الاغانی یا گنجینه شعر عرب است. چاپ قاهره اغانی بیست جلد است. گفته اند نژاد از عرب و بنی‌امیه داشته و عضو جرگه سیف الدوله بوده است. تقریباً ابوالفرج اصفهانی در سال ۹۷۱ ابن کشاجم از جهان برفت. ابن کشاجم

(۱) رجوع شود بجلد دوم کتاب فن کرمر صفحات ۳۸۱ تا ۳۸۶.

Alfred von Kremer, Culturgeschichte

(۲) مقصود ابوالعلاء معری است که در سال ۹۷۳ میلادی متولد گردید.

شاعری بود هندی الاصل که در حکومت قرامطه مقام بلندی حائز گردید  
 و بدلائل مزبور زندگانی وی جالب توجه است (۱). در  
 ابن کاشاجم  
 همائسال شاعر دیگری موسوم به ابوالفتح البستی متولد  
 شد. ابوالفتح البستی یکی از متقدمین ادباست که در کنف حمایت دودمان  
 غزنوی میزیسته است. در خاتمه آخرین سال خلافت  
 ابو الفتح  
 البستی  
 المطیع بدانسبب قابل ملاحظه است که دوشخص بسیار  
 عالیقدر با عرصه حیات گذاشتند: یکی ابوالعلاء معری  
 و دیگری ابوریحان البیرونی.

اکنون بدوره خلافت الطایع میرسیم (۹۷۴ تا ۹۹۱ میلادی).  
 معاصرین الطایع یکی نوح دوم پسر منصور سامانی است در خراسان  
 (۹۷۶ تا ۹۹۷ میلادی)، دیگر قابوس بن  
 وشمگیر از آل زیار در طبرستان (۹۷۶ تا  
 ۱۰۱۲ میلادی) و عضدالدوله در فارس و  
 کرمان و اهواز و جنوب ایران و العزیز  
 ابومنصور تزار (۹۷۵ تا ۹۹۶ میلادی) از

خلافت الطایع  
 (۹۷۴ تا ۹۹۱ میلادی)  
 اوضاع سیاسی ایران  
 در این زمان

خاندان فاطمی که در مصر خلافت رقیب تأسسی کرده بودند. تقریباً در  
 همان اوان سبکتگین (۹۷۶ تا ۹۹۷ میلادی)، بگفته استانی این پون (۲)  
 مؤسس واقعی سلسله غزنوی قدر افراشت و پسرش محمود در جنگجویی  
 وقهرمانی در عالم اسلام شهرتی بسزا یافت. سبکتگین در اصل یکی از  
 غلامان ترك الب تکین والپ تکین نیز یکی از غلامان ترك و مورد علاقه  
 خاص عبدالملك سامانی بوده است. سبکتگین باتصرف پیشاور در آوردن  
 آن سرزمین از چنگ راجپوتها و بدست آوردن حکومت خراسان در سال  
 ۹۹۴ میلادی تحت سلطه اسمی سامانیان کشور کوچکی را که در قلاع

(۱) رجوع شود بکتاب دوخویه درباره قرامطه صفحات ۱۵۱ و ۱۵۲

M. J. de Goeje. Carnathes

Stan & Lane Poole (۲)

و استحکامات جبال سلیمان اسلاف وی الی تگین و دو پسرش اسحق و بلکاتگین بنیاد نهاده بودند وسعت داد .

برای مطالعه تاریخ ادبی این دوره باید نخست بمرگ دقیقی توجه کنیم ( ۹۷۵ میلادی ) . دقیقی شاهنامه را شروع کرد ، سپس فردوسی

با آن فر وشکوه پایان رساند . تقریباً یکسال بعد يك کتاب بسیار مهم عربی تألیف شدوا کنون ون فلوتن (۱)

**تاریخ ادبی  
این دوره**

آن کتاب را با چاپ بسیار نفیس در دسترس تمام دانشمندان . قرار داده است . کتاب مزبور مفاتیح العلوم ابو عبدالله محمد بن احمد بن

یوسف الخوارزمی است که ون فلوتن در لیدن سال ۱۸۹۵ مسیحی منتشر ساخته است . مفاتیح العلوم مجملی

**مفاتیح العلوم**

است از مفصل علوم داخله و خارجه که نزد مسلمین آن زمان متداول بوده است با مجموعه مصطلحات هر يك از علوم . در همان

ایام ابن حوقل (۲) کتاب جغرافیای ابو زید البلیخی شاگرد

**ابن حوقل**

الکندی فیلسوف را که الاضطخری تهذیب کرده بود بار دیگر تصحیح کرد . تقریباً یکسال بعد ( ۹۷۸ میلادی ) سیرافی از نحو یون زبان عربی

وفات یافت . سیرافی نه تنها ایرانی بلکه پسر یکی از

**سیرافی**

زردشتیان موسوم به بهزاد بوده است . در سال ۹۸۰

میلادی فیلسوف و طبیب بزرگ ابوعلی سینا پا بعرصه

وجود گذاشت . ابوعلی نیز ایرانی بود . سال بعد یکی

**ابوعلی سینا**

از عرفاء معروف ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی

برحمت ایزدی پیوست . در سال ۹۸۲ میلادی

**ابن خفیف  
عارف و الصابی**

ابراهیم بن هلال الصابی یکی از کفار حران صاحب

(۱) Van Vloten

(۲) این کتاب جلد دوم مجموعه ایست که دوخویه در لیدن سال ۱۸۷۳ میلادی

تحت این عنوان منتشر ساخته است :

M. J. de Goeje, Bibliotheca Geographorum Arabicorum

کتاب تاریخ بزرگ آل بویه موسوم بکتاب التاج از دنیا بر رفت . هتاسفانه این کتاب بدست ما نرسیده است . با تصنع و تکلف بسیار نوشته شده و صنایع بدیع بسیار بکار رفته و این همان سبکی است که در آن عصر متداول و جایگزین داستانهای ساده و بی پیرایه متقدمین از مورخین گردید و چنانکه بروکلمان نیز گوشزد کرده است در سبک نثر نویسان جوان و جاه طلب آن زمان تأثیر فراوان داشته است . دیگر از

### ابن نباته

همین سنخ نویسندگان ابن نباته سربانسی واعظ دربار سیفالدوله است که در سال ۹۸۴ میلادی وفات یافته است . هنوز آثار او را در مشرق میخوانند و بعضی از آثار او در مشرق چاپ شده است . از شعراء

فاطمی تمیم بن المعز ( تاریخ وفات او ۹۸۴ میلادی است ) . برادر العزیز از خاندان خلفاء رقیب یعنی

### تمیم بن المعز

فاطمیان است . تمیم در باره العزیز مدایحی انشاد کرده و شایسته است نامی از او نیز برده شود . المقدسی (بفتح میم و کسر دال)

### المقدسی

یا المقدسی ( بضم میم و تشدید دال ) سیاح و جغرافی دانی است که کتاب مهم خود احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (۱) را در سال ۹۸۵ میلادی تألیف کرده و این کتاب بحد اعلی مورد تمجید چند تن از مستشرقین عالیقدر قرار گرفته است (۲) . یک سال بعد القشیری تولد یافت . القشیری

مؤلف رساله مهمی در باب صوفیه است . در حدود سال ۹۸۸ میلادی کتاب الفهرست (۳) که یکی از مهمترین

### القشیری

منابع اطلاعات است درباره تاریخ ادبی و مذهبی اوائل دوره اسلام و حتی

(۱) این کتاب سومین جلد مجموعه دوخوبه است .

M. J. de Goeje, Bibl. Geogr. Arab. (eyden, 1877).

(۲) رجوع شود به فن گرمر چند دوره صفحات ۲۹ . ۳۳ که شرح مفصّلی

از مقدمه وی را ترجمه کرده است .

Alfred von Kremer, Culturgeschichte

(۳) با یادداشتی فراوان از طرف فلوگل (Flügel) سال ۱۸۷۱ م سبجی

در لایپزیگ (Leipzig) تصحیح شده است .

ادوار قدیمتر است تألیف شد. مؤلف این کتاب ابوالفرج محمد بن اسحاق الندیم الوراق البغدادی است که تقریباً شش سال بعد وفات یافت درباره  
**الفهرست** این کتاب گرانها برو کلمان چنین گوید: (۱) «اسم ساده‌ایکه روی کتاب خود گذاشت الفهرست است و

مقصودش این بود که تمام کتبی را که در آن عصر بزبان عربی وجود داشته‌است اعم از اصل یا ترجمه در الفهرست بگنجانند. پس از ذکر مقدمه‌ای در باره انواع مختلف خطوط از کتب آسمانی هر يك از دیانات مختلف بحث میکند. سپس از شعب گوناگون ادبیات از قرآن و آنچه مربوط بقرآن نوشته شده تا علوم غریبه از همه سخن میگوید. در هر رشته‌ای نویسندگان آن رشته را تقریباً بترتیب تاریخ يك جا جمع میکند و آنچه از زندگانی و آثار آنها میداند مینویسد. بسیاری از اطلاعات نفیس مربوط بتاریخ تمدن و ادبیات نه تنها عرب بلکه تمام ممالک شرق نزدیک را که بارویا نزدیکتر است مرهون این کتابیم. تقریباً در همان هنگام (۹۸۸ میلادی) یکی از قدیمترین تواریخ محلی ایران تألیف شد. این کتاب

رساله‌ایست در باره شهر قم که ترجمه فارسی آن (تاریخ **تاریخ قم** ۱۱۲۸ میلادی) (۲) محفوظ مانده و اصل عربی آن مفقود

شده‌است. کتاب تاریخ قم بصاحب بن عباد از مرو جین بزرگ ادبیات اهداء گردیده است. (تاریخ ولادت صاحب بن عباد ۹۳۶ **صاحب بن اسمعیل** و تاریخ وفاتش ۹۹۵ میلادی است). صاحب بن عباد **ابن عباد**

وزیر دوتن از سلاطین آل بویه مؤیدالدوله و فخرالدوله است و خود صاحب بن عباد نیز کتاب بزرگ لغت عربی را موسوم به محیط تألیف کرده است و هنوز قسمتی از آن کتاب در دست است و رساله‌ای در علم عروض موسوم به اقناع نوشته است و نسخه بسیار عالی

(۱) رجوع شود بتاریخ ادبیات عرب صفحه ۱۱۱ :

Gesch. d. Arab. Lit.

(۲) نسخه خطی بدین علامت و شماره OR 3391 در موزه بریتانیا ضبط است.

از این رساله بتاریخ ۵۵۹ هجری ( - ۱۱۶۴ میلادی ) که سابقاً متعلق بشفر (۱) بوده است اکنون در کتابخانه ملی پاریس است . الثعالبی در کتاب یتیمۃ الذهر ( جزء سوم صفحات ۳۱ یبعد ) از گروه شعراء وادبائی که بعلت طبع کریم صاحب بن عباد گرد وی جمع شده بودند سخن گوید؛ همه نویسندگان درباره سخاوت کرم بی نظیروی گواهی دهند بنحوی که شاعر معاصر وی ابوسعیدالرستمی در رثاء وی چنین گوید: (۲)

ابعد ابن عباد یهش الی السری

اخو أمل او یستماح جواد

أبی الله الا أن یموتاً یموته

فمالهما حتی المعاد معاد

عشق وی بکتاب بحدی بود که چون فوح دوم پسر منصور سامانی او را بصدارت دعوت کرد عذر خواست و از جمله معاذیر وی این بود که چهار صد شتر لازم است فقط کتابخانه اش را حمل کند (۳) . شاعر لغت شناس ، حامی اهل ادب ، سیاستمدار و لطیفه گو ، این است فضائل کسی که از درخشنده ترین تزیینات و مفاخر دربار دودمان آزادمنش و روشنفکر آل بویه بشمار میرود و متأسفانه اطلاعات ما درباره این سلسله بروفق دلخواه کامل نیست . (۴)

در میان سایر رجال علم و ادب این عصر تنها کسی را که میتوانیم یاد کنیم ابن بابویه از متألّهین و فقهای بزرگ عالم شیعه میباشد . ابن بابویه

M. Schefer (۱)

(۲) رجوع شود به شرح جالب توحهی که ابن نمکان در احوال صاحب بن عباد نوشته شده است ( ترجمه دوسلان de Slane چنداول صفحه ۲۱۶ ) .

(۳) رجوع شود بهمین کتاب صفحه ۲۱۵ و یتیمۃ الذهر چند سوم صفحات ۳۵ و ۳۶ .

(۴) یادداشت مترجم : نگاه کنید به آثار الشیعه تألیف عبدالعزیز حواهر الکلام ، جزء چهارم ، صفحات ۸۷ تا ۸۹ ، ترجمه آقای عنی حواهر الکلام ، ۱۳۰۷ شمسی ، ازانتشارات وزارت فرهنگ .

**ابن بابویه** ( که تاریخ وفاتش ۹۹۱ میلادی است ) (۱) کتابی دارد در فقه موسوم به من لایحضره الفقیه که هنوز در ایران از مراجع عالیه بشمار میرود . علی بن عباس المجوسی ( تاریخ وفات ۹۹۴ میلادی ) (۲) از اطباء این دوره است . پدرش همچنانکه **سی** از اسم او برمیآید از پیروان کیش زردشت بود ، المبرد از علماء لغت و مؤلف کتاب معروف کامل است (۳) و در وهله آخر دانشمند بزرگی که از هیچکدام کمتر نیست ابوعلی سیناست . ابوعلی فیلسوف و طبیب و سیاستمدار بود ( و در سال ۱۰۳۷ میلادی وفات یافت ) . ابوعلی در این دوره فقط هفده سال داشته و شهرتی که در علم طب بدست آورد در نتیجه معالجه شهریار سامانی نوح دوم پسر منصور است . بدین طریق مورد توجه و حمایت پادشاه واقع شد . در فصل بعد در باره این شخص بزرگ سخن خواهیم گفت .

اکنون تاریخ خود را پیاپیان قرن دهم میلادی رسانده ایم و پیش از آنکه جلوتر برویم باید در این نقطه توقف کنیم و کارهایی که در راه علم و ادب با تمام رسیده است و جنبشهای مذهبی و فلسفی **نظر اجمالی** این دوره را مورد بررسی قرار دهیم . توجه ما بالاخص **به این دوره** باید بوقایع و جریانات قدیمتری باشد که سبب احیاء ادبیات ملی ایران گردید و بعد از آنکه این جنبش آغاز شد اکنون با نیروی روزافزونی سیر خود را ادامه میدهد و پیش میرود . این دوره مورد بحث چنانکه ملاحظه گردید بسا تفوق یکی از ترکان شروع شد . دوره ایست که هم برای خلافت و هم برای حضارت و مدنیت اسلام

(۱) رجوع شود به بروکنمان جلد اول صفحه ۱۸۷ .

Brockelmann, Gesch. d. Arab. Lit.

(۲) رجوع شود به بروکنمان جلد اول صفحه ۲۳۶ .

(۳) بتصحیح دکتر رایت چاپ لایپزیگ ، ۱۸۶۴ .

Dr. W. Wright, Leipzig, 1864.



پیر از مخاطره است و با قیام ناگهانی تُرک دیگری بنام سلطان محمود غزنوی که قدرتی تقریباً نامحدود بچنگ آورد این دوره پایان مییابد . (سلطان محمود در سال ۹۹۸ میلادی بسطنت رسید و در سال ۱۰۳۰ میلادی وفات یافت .) سلطان محمود سلطنت خود را بر کشور کوچکی که از پدر خود سبکتگین بارت برد آغاز کرد و خاندان محمود غزنوی متزلزل سامانی را سرنگون ساخت و دوازده بار با هندوستان بچنگ برخاست و آن کشور را عرصه تاخت و تاز قرارداد (از ۱۰۰۱ تا ۱۰۲۴ میلادی) و بت پرستان را برون از شمار بقتل رساند و بتخانه‌های بسیار را ویران کرد و پنجاب را برای همیشه بقلمرو فرمانروائی خود ملحق ساخت و غور را مسخر کرد (۱۰۱۲ میلادی) و ماوراءالنهر را ضمیمه کشور خود ساخت (۱۰۱۶ میلادی) و ضربه مهلکی بآل بویه وارد آورد و اصفهان را از چنگ آل بویه ربود . لکن چون نظری بآغاز و انجام این دوران افکنیم می بینیم ایران از سلطه مستقیم خلیفه بیش از پیش خارج گردید و بین چند خاندان نجیب و روشنفکر ایرانی الاصل یعنی خاندان سامانی و آل بویه و آل زیار تقسیم شد و بار دیگر ایران آزادانه در این عصر بدلخواه خود و بزبان ملی خود ادبیاتی باشکوه و وسیع بوجود آورد .

## فصل یازدهم

### وضع ادبیات و علوم مسلمین در آغاز دوره غزنوی

در این هنگام که در آستانه ادبیات جدید فارسی واقع شده ایم بایستی پیشرفتی را که مسلمین در علوم و ادبیات حاصل کردند اندکی بیشتر بتفصیل مورد مطالعه قرار دهیم زیرا علم و ادب از موارد مشترك کلیه مللی است که بآئین اسلام گرویدند. چه بسا گفته میشود که زبان فارسی زبان بسیار آسانی است. تا آنجا که مربوط بخود زبان است این نکته صحیح است لکن اگر کسی بخواهد در زبان فارسی براعت حاصل کند کاری بسیار دشوار است زیرا نه تنها مستلزم آشنائی کامل به قرآن و احادیث نبوی و اساطیر قدیم ایران است بلکه باید بجمیع جهات علمی و ادبی ممالک اسلامی شرق در گذشته احاطه داشته باشد. این مسأله بالاخص در مورد نویسندگان صادق است که قبل از فتنه مغول در قرن سیزدهم میلادی زندگانی میکردند و هنوز آن زبانکاریها و نهب و غارت و وحشت انگیزی که بر اثر حمله و هجوم مغول واقع شد روی نداده بود زیرا ابن قبائل وحشی و منقور هر جا قدم میگذاشتند بقتل عام میپرداختند و آن محل را آتش میزدند. بعد از آن تاریخ علوم و ادبیات ممالک اسلامی دیگر بی پایه اول خود نرسید. دائره عقائد و افکار علمی نویسندگان ادوار بعد بسیار محدود تر است. زبان عربی دیگر در سراسر ممالک اسلامی معمول و متداول نبود و چون بغداد ویران شد و خلافت از میان رفت دیگر مرکزی برای فرهنگ و علم و معرفت وجود نداشت. مرکزی که مساعی علمی عالم اسلام را با هم منطبق و متمرکز و مختلط سازد دیگر نبود.

خوشبختانه برای کسب اطلاع و تشخیص وسعت دایعه ادبیات و علوم اسلامی در این عصری که مورد بحث ماست ( یعنی پایان قرن دهم میلادی) سه منبع شایان تحسین در دست داریم:

۱- رسائل اخوان الصفا . اخوان الصفا گروهی از حکماء و دانشمندان را گویند که جامع جمیع علوم بودند و در فصل گذشته درباره آن گروه سخن گفته ایم .

۲- مفاتیح العلوم که در سال ۹۷۶ مسیحی ابو عبدالله محمد بن یوسف الکاتب خوارزمی تألیف کرد و اخیراً (سال ۱۸۹۵ در لیدن) بوسیله ون فلوتن (۱) تصحیح و چاپ شد .

۳- کتاب الفهرست ابوالفرج محمد بن اسحاق الوراق بغدادی که بیشتر معروف است به ابن ابی یعقوب التمدیم در سال ۹۸۸ مسیحی تألیف شد و در سال ۱۸۷۱-۲ مسیحی بتوسط فلوگل (۲) تصحیح و منتشر گردید . تمام این آثار بزبان عربی نوشته شده و اصولاً جنبه دایره المعارف دارد . دو کتاب اول بالاخص مربوط به فلسفه و علوم است و کتاب سوه مربوط بادیات و تاریخ فرهنگ . از مندرجات این کتب به ترتیبی که در بالا ذکر شد در اینجا بحث مختصری خواهم کرد .

### رسائل اخوان الصفا

این گروه دایره المعارف نویسان در نیمه آخر قرن دهم میلادی در بصره رونق بسزا یافت . از اعضاء این انجمن ناه پنج یا شش نفر را میدانیم منجمله از بست در شرق اقصای ایران و همچنین از زنجان در شمال غربی ایران و از اورشلیم رجالی در این جمعیت شرکت داشتند . از سه تن اعضاء دیگر انجمن باز یک نفر محققاً ایرانی و دو نفر احتمالاً از نژاد عرب بوده اند . این جمعیت (۳) مطالب فلسفی و علمی عصر خود را

(۱) Van Vloten (۲) Flügel

(۳) اسامی اعضاء جمعیت را بروگلمان ذکر کرده است . رجوع شود بجدید

اول کتاب وی صفحات ۲۱۳ و ۲۱۴

در پنجاه و يك رساله بی اسم بسبک متداول روز خلاصه کرده است،  
و تمام رسائل در شهر بمبئی در چهار مجلد و ۱۱۳۴ صفحه بسال ۶ - ۱۳۰۵  
هجری (۱۸۸۷ میلادی) چاپ شده است. ترجمه های کامل و ناقص بچند  
زبان شرقی دیگر از جمله ترجمه فارسی آن چاپ سنگی بمبئی (بتاریخ  
۱۸۸۴ میلادی) و ترجمه هندوستانی و ترکی آن نیز موجود است.  
اطلاعات ما از مندرجات این رسائل و شرح و بسط تعلیمات این گروه  
مرهون همت خستگی ناپذیری یکی از دانشمندان برلین است. این شخص  
همان دکتر فریدریک دیترسی (۱) معروف است که بین سالهای ۱۸۵۸  
و ۱۸۹۵ مسیحی هفده رساله نفیس (باشش متن) درباره فلسفه عرب در  
قرون نهم و دهم مسیحی علی الخصوص در باره اخوان الصفا چاپ کرده  
است. پنجاه و يك رساله ای که جمعیت اخوان الصفا منتشر کرده در حدود  
ادراکات اعضاء جمعیت تقریباً جامع جمیع مباحث فلسفه بود. لکن از  
طلاب معقول البته انتظار میرفت در موضوعات و مواد ذیل که دیترسی (۲)  
بر شمرده و معمول آن زمان بوده قبلاً دارای اطلاعات کافی باشند:

اول: علوم دنیوی

۱ - خواندن و نوشتن

۲ - لغت و دستور زبان

۳ - حساب

۴ - عروض و فن شعر

---

Dr. Friedrich Dieterici (۱)

(۲) رجوع شود بصفحات ۱۲۴ بعد کتاب دیترسی، مقدمه و عالم کبیر

(چاپ لایپزیگ، ۱۸۷۶ میلادی)؛

Einleitung und Makrokosmos (Leipzig, 1876).

و همچنین بصفحات شش تا هفت مقدمه متن رسائل اخوان الصفا چاپ لایپزیگ  
۱۸۸۶ میلادی)؛

Abhandlungen der Ichvan-es-Safa (Leipzig, 1886).

- ۵ - علم سعد و نحس
- ۶ - علم سحر و تعویذ و طلسمات و کیمیا و سیمیا و تردستی
- ۷ - مکاسب و صنایع
- ۸ - معاملات - تجارت - کشاورزی و گله‌داری
- ۹ - معرفت الرجال و قصص

دوم : علوم دینی

- ۱ - علم قرآن
  - ۲ - تفسیر
  - ۳ - علم الحدیث
  - ۴ - فقه
  - ۵ - ذکر و حمد الهی - امر بمعروف و نهی از منکر - ریاضت - تصوف - وجد و حال - جذب و خلسه یا شهود .
- مطالعات فلسفی بمفهوم و منظور صحیح کلمه شامل مباحث ذیل است :

سوم : مطالعات فلسفی

- ۱ - ریاضیات و منطقیات و غیره که در رسائل اول تا هشتم (=جلد اول) مورد بحث قرار گرفته و از مطالبی از قبیل عدد و هندسه و هیئت و جغرافی و موسیقی و نسبت عددی و هندسی و فنون و صنایع و اختلاف اخلاق بشر و ایساغوجی و مقولات عشر و بازی از میناس و انالو طبقا یا قیاس سخن رفته است .
  - ۲ - طبیعیات و انسانیات که در رسائل چهاردهم تا سیام (=جلد دوم) مورد بحث واقع شده و از این مباحث نیز گفتگو میشود :
- هیولی و صورت ، زمان و مکان ، حرکت ، خلقت عالم ، کون و فساد ، عناصر و کائنات جزو ، آذر علوی ، جمادات و معدن شناسی ، ماهیات

و جوهر اصلی طبیعت و مظاهر آن، گیاه‌شناسی، معرفت‌الحيوان-تشریح و ترکیب انسان - حاس و محسوس و ادراکات حسیه - جنین‌شناسی (مسقط نطفه)، انسان یعنی عالم صغیر - تحول و تکامل نفس، روح و جسم، ماهیت الم و لذت روحانی و جسمانی، اختلاف لغات (فقه‌اللغه).

۳ - نفسانیات که در رسائل سی و یکم تا چهارم (= جلد سوم) بحث شده و از دراکه و روح عالم و غیره سخن رفته است.

۴ - آلهیات که در رسائل چهل و یکم تا پنجاه و یکم مورد بحث قرار گرفته است و از کمالات مطلوب و روش اخوان‌الصفا و اصول عقائد سری در اسلام و نظام عالم روحانی و علوم غریبه سخن گفته است.

روش اخوان‌الصفا اساساً ترکیب و تألیف مطالب خاص "دائرة المعارف یاموسوعات" بوده است و چنانکه دیترسی (در صفحه چهارم عالم کبیر) (۱) گوید: «کوشش اخوان‌الصفا این بود که تناسب و ارتباط کلیه مطالب علمی را که بآنها رسیده بود در نظر آرند و برای عالم ماده و عالم معنی وجه جمعی بسازند که جواب همه سئوالات را تضمین کند و با نقطه نظر فرهنگ آن زمان نیز مطابقت داشته باشد.» بطور کلی طبق طرح دیترسی موضوعاتی که مورد بحث اخوان‌الصفا قرار گرفته است بشرح ذیل میتوان تقسیم کرد:

۱ - عالم کبیر یا تکوین عالم و صدور کثرت از وحدت و تحول و تکامل بوسیله صدور از خدا توسط عقل و نفس و ماده‌المواد و ماده‌ثانویه و دنیا و طبیعت و عناصر تا برسد به نشئات آخر یا موالید ثلاثه یعنی عالم حیوان و عالم نبات و عالم جماد.

۲ - عالم صغیر (انسان) یا رجعت از کثرت بوحدت.

روش کلی اخوان‌الصفا «اختلاط و تلفیق مذهب توحید در اقوام سامی با مذهب نو افلاطونی یا افلاطونیون جدید» بوده است بشحوی که تصور میکنم

فیلون یهودی (۱) را شاید بتوان در این راه بیک اعتبار پیشقدم دانست. چنانکه از بیان دیترسی (در کتاب عالم کبیر صفحات ۸۸-۸۶) مستفاد میشود اخوان الصفا از آن بترکیب و تألیف عقائد و جمع آراء مختلف برانگیخته شدند که معتقد بودند حقیقت خواه مذهبی خواه فلسفی خواه علمی در همه حال یکی است. جمیع علوم متداول عصر خود را بدین منظور و مقصود تطبیق کردند و هر علمی را نه تنها بخاطر نفس آن علم بلکه از جهت ارتباط آن با حقیقت کل مورد مطالعه قرار دادند و کوشش داشتند ادراکات خود را بصورتی که قابل فهم و جالب توجه و حتی عام پسند باشد. در آورند و بدین منظور تشبیهات و تمثیلات و استعارات و کنایات فراوان بکار بردند (از آن جمله است افسانه اخلاقی و داستان معروف حیوانات و انسان).

در مسائل ما قبل تاریخ و علوم تا آنجا که مرتبط بمنطق و علوم طبیعی است بیشتر تحت تأثیر افکار ارسطو و در فرضیه‌های مربوط باعداد و نشأت خلقت تحت تأثیر افکار فیثاغورثیون جدید و افلاطونیون جدید و در تاریخ طبیعی تحت تأثیر بطلمیوس و در انسانیات و طب تحت تأثیر جالینوس قرار گرفتند و نظر ترکیب و تألیف بطور کلی در نتیجه کمال مطلوب قوی بر اساس وحدت وجود (۲) برای آنها پیدا شد. عقیده داشتند کمال بر اثر ترکیب فلسفه یونان با قوانین مذهبی عرب حاصل میشود (۳). اخوان الصفا جانشینان الکندی و فارابی و پندشروان

---

(۱) یادداشت مترجم: فیلون یهودی Philo Judaeus از فلاسفه

یهودی یونان است که تقریباً بیست سال قبل از میلاد مسیح متولد شده و در حدود ۵۴ سال بعد از میلاد مسیح بدرود زورگانی گفته است.

(۲) رجوع شود بکتاب عالم کبیر دیترسی Dieterici, Makrokosmos

صفحات ۱۴۰ - ۱۳۸.

(۳) رجوع شود بکتاب عالم کبیر دیترسی صفحه ۱۴۶.

ابوعلی سینای بزرگ بودند و چنانکه دیترسی (۱) متعرض است توسعه و تکامل فلسفه در شرق با رفتن ابوعلی سینا پایان یافت. این روش فلسفی که حکمت عرب نامیده میشود از شرق بمغربیان اسپانی منتقل گشت و پس از اینکه در اسپانی نیز بوسیله ابن رشد (تاریخ وفات ۱۱۳۵ مسیحی) تحولات بیشتری یافت از آنجا باروپا رفت و در اروپا منتشر شد و علم کلام عیسوی را بوجود آورد. بگفته دیترسی (۲) فلسفه عرب بزرگترین خدمت را بعلم کلام عیسوی کرده است زیرا باعث بازگشت عنصر مشائی طریقه ارسطو گردید و این عنصر در اوائل امر از فلسفه مسیحی تقریباً طرد شده و عنصر افلاطونی جدید جایگزین آن گردیده بود.

### مفاتیح العلوم

در این کتاب ابتدا علوم بدو دسته تقسیم شده است: یکی علوم شریعت و عربیه، دیگر علوم العجم که قسمت اعظم آن مربوط بیونان و ایران است.

#### ۱ - علوم الشریعة

(الف) فقه در یازده فصل مشتمل بر اصول و فروع دین از قبیل طهارت، صوم و صلوة و زکوة و حج و بیع و شری، عقد و نکاح، قتل نفس، جرح و قصاص، دیات و غیره (۳).

(ب) کلام در هفت فصل مشتمل بر موضوع کلام و ذکر ارباب آراء و مذاهب و فرق مختلف اسلام و نصاری و یهود و کسانی که نه عیسوی و نه کلیمی هستند (از قبیل ایرانیان و هندیان و کلدانیان و مانویان و مرقیونیه و دیصانیه و مزدکیان و صوفیان و غیره). همچنین جاهلیت

(۱) رجوع شود بکتاب عالم کبیر دیترسی صفحه ۱۵۹

(۲) رجوع شود بکتاب عالم کبیر دیترسی صفحه ۱۵۹

(۳) یادداشت مترجم: فریضه و نوادر.



عرب و اصول اولیه و مسلمة دین که در این علم مورد بحث قرار گرفته است .

( پ ) نحو در دوازده فصل .

( ت ) کتابت در هشت فصل مشتمل بر توضیح کلیه اصطلاحات

فنی که در دوائر مختلف دولت مصطلح است .

( ث ) شعر و عروض در پنج فصل .

( ج ) اخبار در نه فصل مخصوصاً تاریخ ایران قدیم و تاریخ اسلام

و تاریخ عرب قبل از اسلام بخصوص یمن و تاریخ یونان و روم .

۲ - علوم العجم

( چ ) فلسفه در سه فصل مشتمل بر اقسام فلسفه و مصطلحات آن

و اشتقاق لغت ( توضیح صحیح لفظ یونانی فلسفه ) و ارتباط صحیح فلسفه

با منطق و علوه طبیعی ( طب و کائنات جو و معدنیات و جمادات و گیاه

شناسی و علم الحیوان و کیمیا ) و علوم ریاضی ( هندسه و هیئت و موسیقی

و غیره ) .

( ح ) منطق در نه فصل

( خ ) طب در هشت فصل مشتمل بر تشریح و علم الامراض و علم

الادویه و قرأ با دین و پرهیز ، اوزان و مقادیر و غیره

( د ) ارثماطیقی ( علم العدد ، حساب ) در پنج فصل بامقدمات جبر .

( ذ ) هندسه ( جومتربه ) در چهار فصل .

( ر ) علم التجوہ در چهار فصل از اسامی سیارات و توابت و ترکیب

عالم بطریقه بظلمیوس و علم احکام تجوہ و آلات و ادوات منجمین گفتگو

شده است .

( ز ) موسیقی در سه فصل شامل شرح آلات مختلف موسیقی و اسامی

هریک و نوت نویسی و ایقاعات و علامات مخصوص موسیقی و مصطلحات آن .